

۵ جام
۵ اتفاق
۵ ستاره

گل‌ها و گلوله‌ها

۵ دوره حضور در جام جهان نما همه سهم فوتبال ایران از حضور در بزرگترین جشنواره ورزشی دنیا است. سهمی که اگر چه در قاره آسیا یک دستاورد بزرگ محسوب می‌شود اما در مقیاس جهانی بسیار ناچیز و کم مقدار می‌نماید. بی‌تردید ظرفیت و اندازه فوتبال ایران با وجود همه کاستی‌های گل درشت و پرشمارش بسیار بیشتر از این سهم اندک بوده اما دست حوادث ما را از رسیدن به سهم واقعی خود محروم ساخته. حضوری که البته هیچ دستاورد خاص و ویژه‌ای به همراه نداشته و فوتبال ایران همیشه در جام جهان نما تنها یک تماشاگر مطلق به شمار می‌رفته که از دور و نزدیک موفقیت‌های دیگران را به نظاره نشسته.

با وجود این در این ۵ دوره حضور اتفاقات ریز و درشت و به یادماندنی برای فوتبال ایران رخ داده که برای همیشه به کتاب قطور تاریخ پرفراز و نشیب فوتبال ایران سنجاق شده؛ یا ستاره‌هایی که در این جام‌ها نام خود را به تاریخ پیوند دادند به گونه‌ای که با مرور خاطرات آنچه به اذهان متبادر می‌شود، همین اتفاقات و همین نام‌هاست.

مرور دوباره اتفاقات و ستاره‌های هر جام جهانی برای فوتبال ایران جذاب و هیجان انگیز است و ما را به دل تاریخ پرتاب می‌کند.

1978 آرژانتین

اتفاق ویژه:

نخستین حضور ایران در جام جهانی یک تجربه عجیب و تازه بود. تیمی که برای نخستین بار بزرگترین تورنمنت فوتبالی دنیا را تجربه می‌کرد، باوجود برتری مطلق در قاره آسیا و برخورداری از ستاره‌های دانه درشت، آشکارا یک تیم بی‌تجربه و آماتور بود که برای مقابله با تیم‌های بزرگ دنیا آمادگی ذهنی و روانی نداشت. اگرچه فدراسیون وقت کوشید با تدارک کامل و بازی با تیم‌های بزرگی نظیر ولز، بلغارستان، یوگسلاوی، آرژانتین و فرانسه این خلأ را تا حدی پر کند، اما برای تیمی که تا آن روز هیچ رویداد بزرگی در سطح جام جهانی را ندیده و ستاره‌هایش تنها محصور در قاره آسیا بودند، مسابقه با ستاره‌های بزرگ و نامدار دنیا خوف و رجا داشت. ستاره‌هایی که تا پیش از جام جهانی تنها نام آنها را شنیده و یا در خوشبینانه‌ترین حالت تصویر آنها را در روزنامه‌ها و یا تلویزیون دیده بودند. این خوف و رجا تا آنجا در روح و روان بازیکنان تیم ملی لانه کرده بود که نقل است علی پروین کاپیتان تیم ملی ایران پیش از دیدار نخست برابر هلند نایب قهرمان جام جهانی



و ستاره‌های بزرگش، به هم تیمی‌ها پیشنهاد می‌دهد که با لباس مشکی در زمین حاضر شده و مدعی شوند که مادرشان در ایران فوت کرده تا بلکه دل ستاره‌های هلند به رحم آمده و مراعات بازیکنان عزادار ایران را بکنند و کمتر به ما گل بزنند! نتیجه این بی‌تجربگی و البته ترس در بازی‌های جام جهانی به عینه عیان شد؛ ۲ شکست پرگل ۳-صفر برابر هلند و ۴-۱ برابر پرو و ۸ گل خورده. از این تعداد گل خورده ۴ گل از روی نقطه پنالتی به ثمر رسید و تک گل بازی با اسکاتلند نیز توسط مدافعان ایران وارد دروازه خودی شد. یعنی ۵ گل دریافتی ایران روی بی‌تجربگی و استرس بالای مدافعان ایران و با اشتباه آنها برای حریفان به دست آمد. آنچه آینه تمام‌نمای کاملی از شرایط تیم ایران در این رقابت‌ها بود.

ستاره:

ایرج دانایی فرد ستاره اصلی ما در این تجربه نوظهور و البته ناکام بود. در حالی که پیش از رقابت‌ها همگان روی درخشش احتمالی علی پروین، حسن روشن و ناصر حجازی شرط بسته بودند، این ایرج دانایی فرد بود که در این جام جهانی در عین ناباوری از روی نیمکت به ترکیب اضافه شد، خوش درخشید و نخستین گل تاریخ ایران در جام جهانی را به ثمر رساند. دانایی فرد در بازی نخست برابر هلند ذخیره بود اما در بازی دوم برابر اسکاتلند پس از آنالیزی که کادر فنی ایران از تیم حریف داشت و مشاوره با یکی، دو مربی انگلیسی حاضر در رقابت‌ها در دقیقه ۹۰ تصمیم گرفت تا دانایی فرد را در ترکیب اصلی قرار دهد. اسکاتلند آن سال‌ها یک گوش چپ قلدر و تکنیکی به نام آرچی گمیل داشت و دانایی فرد در حقیقت در ترکیب قرار گرفت تا با توجه به جنس فوتبال فیزیکی خود بتواند سد راه گمیل باشد. تصمیمی که البته برخی‌ها مدعی هستند حشمت مهاجرانی سرمربی تیم ملی به توصیه اصغر شرفی کمک اول خود اتخاذ کرد. نتیجه کار اما بسیار درخشان بود. دانایی فرد نه تنها گمیل پرادعا را از جریان بازی محو کرد بلکه در نیمه دوم با یک حرکت فردی با استفاده از قدرت پا به توپ خود دفاع اسکاتلند را جا گذاشت و دروازه حریف را گشود تا ایران نخستین امتیاز خود را در تاریخ جام جهانی کسب کرده و دانایی فرد نیز نام خود را به عنوان نخستین گلزن تاریخ ایران در جام جهانی ثبت کند.



1998 فرانسه



اتفاق ویژه:

فوتبال ایران برای تجربه دوم ۲۰ سال انتظار کشید تا سرانجام در سال ۹۸ فرانسه دوباره به جام جهانی راه پیدا کند. تیم ایران در این رقابت‌ها با یوگسلاوی، امریکا و آلمان همگروه شد و در این میان همگروهی با امریکا یک اتفاق ویژه و بزرگ به شمار می‌رفت. یانکی‌ها بعد از برگزاری جام جهانی ۱۹۹۴ و راه‌اندازی لیگ حرفه‌ای MLS برای درخشش به فرانسه آمده بودند و نبرد آنها با ایران با توجه به مناقشات سیاسی دو کشور نبرد قرن نام گرفت. قابل پیش‌بینی بود در این بازی که آشکارا رنگ و بوی سیاست به آن سایه انداخته بود، پیروزی تا چه اندازه برای هریک از دو تیم حیاتی است و حکم یک ضرب شست به دشمن را دارد. پیش از بازی با توجه به شرایط همگان شانس برد امریکا را بیشتر می‌دانستند اما این ایران بود که با درخشش ستاره‌هایش، یک بازی نابرابر دشوار را از حریف برد. در طول ۹۰ دقیقه توپ و میدان بیشتر در اختیار امریکایی‌ها قرار داشت اما ایران توسط حمید استیلی و مهدی مهدوی‌کیا ۲ گل زد و با درخشش فوق تصور احمد رضا عابدزاده تنها یک بار دروازه‌اش باز شد تا یک برد شیرین و دهان پرکن را به دست بیاورد. بردی که از پیروزی در هر میدان سیاسی با ارزش‌تر بود.



ستاره:

چه کسی به غیر از حمید استیلی؟ هافبک تدافعی تیم ملی ایران به دوندگی‌های بی‌امانش در جریان بازی معروف بود و علی پروین همیشه در توصیف او می‌گفت استیلی یک شُش اضافه دارد! هافبک دونده و جنگنده تیم ملی در جام جهانی خوش درخشید و نقش کلیدی در مرکز زمین ایران داشت. او در بازی با امریکا با یک ضربه سر تماشایی گل نخست ایران را به ثمر رساند؛ ستاره‌ای که تا قبل از این گل حتی یک بار هم ضربه سر از او به یاد نداشتیم! گل استیلی در حالی به دست آمد که توپ و میدان بیشتر در اختیار حریف قرار داشت و این گل همچون آب سردی بر پیکر امریکایی‌ها بود و آنها را نابود کرد. گلی که فیفا بعد آن لقب گل قرن را داد. تصویر شادی حمید استیلی و اشک‌های بی‌اختیارش بعد از این گل یکی از کالت‌های تاریخی و فراموش نشدنی فوتبال ایران است که تا سال‌های سال تیتراژ اصلی برنامه‌های ورزشی به شمار می‌رفت.